پاساژ قائم، باوجود هشدارهای مکرر، سوخت و در آستانه تخریب قرار دارد

۱۶۹ ساختمان ناایمن دیگر، همچنان فعال!

روایت خبرنگار شهرآرا از آتش سوزی پاساژ قائم که سوخت و دیگر نیست

علی بابازاده

گزارش

ساعت از ۲۳:۳۰ دوشنبه گذشته بود که حرکت آرام دود از کنار پنجره هتلی در مجاورت پاساژ قائم در خیابان هفده شهریور به چشم ساکنان این هتل آمد. ابتدا همه چیز فقط یک سایه بود؛ سایه هایی خاکستری که کم کم بر تن پنجره های این ساختمان خزیدند و به دل تاریکی شب نفوذ کردند. برای ساکنان، ثانیه ها به کندی می‌گذشت و هر بار که پرده ها کنار زده می شد، حجم دود و تاریکی، بیشتر به چشم می‌آمد؛ تا جایی که در ساعتی پس از آغاز حادثه، زمزمه ها تبدیل به فریاد شدند. تصویری که چشم اهالی محل را درگیر خود می کرد و شهروندان می دیدند که شعله ها بی مهابا از بالای ساختمان زبانه می کشند و هر لحظه ممکن است سقف و دیوارها را ببلعند و ساختمان های اطراف را به خاطره ای دور بدل کنند. در آن تنگنای شعله و دود، وحشتی خاموش بر جان اهالی سایه انداخت. نمی دانستند اگر کسی جلودار آتش نشود، تا صبح چند خانواده به خاک سیاه می نشینند و زندگی شان یک شبه دود می شود. در دل شب، هر نور سرخی که از پنجره ها بیرون می زد، ضربان قلب ها را تندتر و اضطراب را عمیق تر می‌کرد. این فقط یک آتش سوزی نبود؛ این آوار کابوس و اضطرابی بود که تا صبح ادامه داشت.

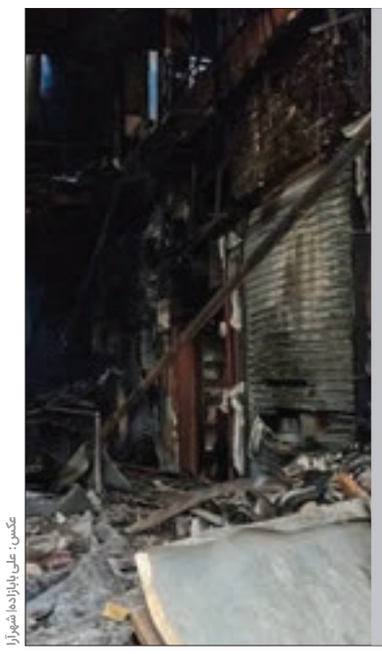

عکس: علی بابازاده| شهرآرا

از آبان پارسال تا تیر امسال

دل نگرانی افرادی که آبان سال گذشته، زخم خورده حادثه آتش سوزی کوچک تری بودند، بیشتر از دیگران بود. آن ها این بار بی پناه تر از همیشه، شاهد تکرار همان هراس بودند. هیچ واژه ای عمق نگرانی و ترس اهالی محل را توصیف نمی‌کرد؛ نه اشک ها، نه نگاه های سرد و نه دست کاسبی که مدام می لرزد.

شاید فردا دوباره پاساژ قائم خالی از دود و آتش باشد، اما برای بسیاری از اهالی، خاطره شبی که گذشت، هرگز خاموش نخواهد شد. داستان دردناکِ بامداد دیروز به همین جا ختم نشد. آنچه هول و بیم را در دل خانواده ها بیشتر کرد، این بود که شعله های سرکش نه فقط در تاریکی شب، بلکه تا روشنایی روز فردا هم هنوز زنده بود و زبانه می‌کشید؛ هرچند که تلاش گسترده ای از سوی ده ها آتش نشان از لحظات اولیه آغاز شده بود.

همچنان در تب آتش می‌سوخت

تداوم شعله ها و دود غلیظ در آسمان نیمه روشن صبحگاهی، وحشت اهالی را به اوج رساند. هر دم که می‌گذشت، ترس از سرایت آتش به ساختمان های مجاور یا فروریختن بخش هایی از سازه، تمام فکرها را به خود مشغول کرده بود. نفس شهروندان و به ویژه کسبه در سینه حبس شده و چشم ها خیره به قامت تقریبا خمیده پاساژ پیر قائم بود. همه منتظر پایانی برای این کابوس بودند؛ اما انگار آتش این بار قصد کوتاه آمدن نداشت. این تداوم سوختن، شبیه تابلویی زنده از ناایمنی و بی تدبیری بود که تا نزدیک ظهر روز بعد در چشم شهروندان حک می شد.

کسبه، روایان حادثه تلخ

در میان دود و خاکستر، صدای خشمگین کسبه بیشتر از همیشه شنیده می شود. کارگر جوانی که هنوز دستانش بوی پارچه های سوخته می داد، زیر لب می غرید که همه چیزمان از بین رفت، میلیارد میلیارد جنس و تلاش چندسالمان جلوی چشممان سوخت. مردی دیگر، در حالی که قبض نصفه سوخته و دفتر حساب و کتابش را میان آوار ورق می زد، به خبرنگار ما می گوید: چه کسی پاسخگوست؟ اینجا نه بیمه داشتیم، نه دیگر امید به جبران. سرمایه یک عمر کار و دوندگی، دود شد.

پای صحبت یکی از قدیمی های پاساژ که می نشینی، بغضی راه گلویش را می گیرد: فکر می کنید صاحب پاساژ خودش اینجاست؟ نه آقا، او همیشه در سفر است، همه کارها را پسرهایش می کنند. بارها از سوی شهرداری، از سوی مردم، برای ایمن سازی و رسیدگی به وضعیت ساختمان تذکر گرفته ایم؛ اما اتفاقی از سوی صاحب پاساژ نیفتاده است، انگار همه ما گروگان بوده ایم.

خورشید دیگر قصد رفتن پشت کوه های بلند را دارد، سایه های کشیده این را نشان می دهد، ساعت نزدیک ۱۶ است و با وجود اینکه آتش اصلی خاموش شده، هنوز دود از سر این ساختمان بلند است. اضطراب و دلهره در فضا موج می زند. کسبه زیرلب با خودشان چیزهایی می‌گفتند.

یکی از مغازه داران با چهره ای خسته و چشم هایی سرخ می‌گوید: حالا که کار از کار گذشته است، شنیده ام که می‌گویند شاید یکی از پاساژهای اطراف را یک ساله به کسبه پاساژ قائم بدهند؛ اما با کدام سرمایه دوباره کار کنیم؟ اصلا مگر می شود با دل سوخته کاری کرد؟ البته چشممان آب نمی خورد که همین کار هم بشود.

با ۱۶۹ ساختمان ناایمن دیگر چه باید کرد؟

این روزها پاساژ قائم دیگر نه تنها یک فضای تجاری، بلکه بوم نقاشی دردِ جمعی و بی اهمیتی به مسائل ایمنی است. شاید روزی دوباره این پاساژ همچون قفقوسی تازه متولد شبیه پلاسکوی تهران از دل خاکسترها سربرآورد؛ اما حقیقت تلخ، وجود ۱۶۹ ساختمان ناایمن دیگر در مشهد را که به گفته حمیدرضا کافی نیا، مدیرعامل سازمان آتش نشانی مشهد، در سامانه «منتاک» ثبت شده است، نمی توان نادیده گرفت.

شاید اظهارات کافی نیا درباره احتمال ریزش سازه پاساژ قائم مشهد درست باشد و این ساختمان باید برای همیشه تخریب شود، اما هنوز ساختمان های دیگری با ضریب اهمیت ویژه تری در مشهد وجود دارد که اگر آن ها دستخوش آتش و حادثه شوند، شاید دیگر نتوان به راحتی گفت: «خوشبختانه این حادثه مصدوم و قربانی نداشته است»؛ باید کاری کرد، باید پیش از وقوع حوادث بعدی فکری اساسی شود و ضابطه ها را بر رابطه ها ترجیح داد تا دیگر شاهد سوختن سرمایه و دل شهروندان نباشیم.

روی خط حادثه

دستگیری زورگیر ترسناک مشهد

سهیل دیبا| هر دو جوان بودند. یکی از آن ها همیشه روی موتورسیکلت می نشست تا مبادا خاموش شود و گرفتار شوند، دیگری با قمه ای ترسناک و کوتاه تر از شمشیر راه شهروندان را سد می‌کرد و با زبان تهدید و ارعاب پس از زورگیری خشن تلفن همراه از نوجوان، پیر و جوان، روی ترک موتور می‌پرید و متواری می شدند؛ اما این حرکات از چشم پلیس دور نماند. گزارش های شهروندان در چندین نقطه شهر مبنی بر سرقت خشن گوشی هایشان موجب شد تا مأموران کلانتری شهرک فراجا به این پرونده ورود پیدا کنند. آن ها با شناسایی شگرد پرتکرار گوشی قاپان و زورگیران که با یک موتورسیکلت و قمه اقدام به سرقت از شهروندان می‌کردند، متوجه شدند که این سارقان خشن، طعمه هایشان را در مناطق خلوت شناسایی می‌کنند و به سراغشان می روند. با مشخصات ظاهری به دست آمده از مال باخته ها، تحقیقات مأموران انتظامی ادامه داشت تا اینکه یکی از تیم های کلانتری شهرک فراجا هنگام گشت زنی نامحسوس، مردی جوان را که با یک قبضه قمه در حال زورگیری تلفن همراه زن و مردی جوان بود، مشاهده کردند و بلافاصله وارد عمل شدند. همدست متهم که در چند قدمی آن ها منتظر رفیقش بود، به محض مشاهده پلیس با موتورسیکلت از محل گریخت و همدستش با سرعت عمل مأموران دستگیر شد. در بازرسی از وی یک قبضه قمه و چهار دستگاه تلفن همراه مسروقه کشف شد. متهم در رویارویی با تعدادی از مال باخته ها و همچنین تصاویر به دست آمده از دوربین های مداربسته و بازجویی های علمی مأموران دایره تجسس کلانتری شهرک فراجا به شصت فقره زورگیری و قاپ زنی تلفن همراه در محدوده بولوار وکیل آباد، برونسی، صدف، اقبال، هاشمیه، هفت تیر، کوثر و آزادی و فروش گوشی های مسروقه به یک تبعه خارجی اعتراف کرد. تحقیقات برای دستگیری همدست متهم و مال خر مدنظر و کشف دیگر جرائم احتمالی با هماهنگی قضایی ادامه دارد.

ماجرای انگشترهایی که برای دست سارق گشاد بود

دیبا| زن جوان با پسربچه ای نوجوان وارد مغازه شد. او قصد خرید انگشتر داشت و تعداد زیادی انگشتر را روی دستش امتحان کرد؛ اما نتوانست به نتیجه برسد و دست آخر هم بدون خرید، از مغازه خارج شد. ساعتی بعد که فروشنده انگشترهایش را مرتب می‌کرد، با جای خالی چند انگشتر گران قیمت روبه رو شد. فروشنده وقتی تصاویر دوربین های مداربسته را چک کرد، باورش نمی شد که همان مادر و پسر اقدام به سرقت کرده باشند. با اعلام این سرقت به پلیس در محدوده خیابان شیرازی و خسروی، مأموران دایره تجسس کلانتری شیرازی وارد عمل شدند. این چندمین سرقت با شگردی یکسان از انگشترفروشی های این مناطق بود که پلیس در جریان آن قرار گرفته بود. مأموران فروشنده های حوزه استحفاظی را درباره احتمال حضور مجدد این افراد توجیه کردند. سرانجام متهمان به محض ورود به یکی از فروشگاه های منطقه شناسایی و با تماس بموقع و سرعت عمل گشت انتظامی، این افراد قبل از فرار دستگیر شدند. در بازرسی از وسایل همراه آنان چهار حلقه انگشتر نقره نفیس کشف شد. زن جوان که در ابتدا منکر هرگونه جرمی بود، پس از انتقال به مقر انتظامی و مواجهه با تصاویر به دست آمده از بازبینی دوربین ها و ادله پلیس به یازده فقره کش روی از نقره فروشی ها اعتراف کرد. این زن و پسر نوجوان پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

کافه موادفروش‌ها پلمب شد

دیبا| بساط کافه داری این روزها از همیشه داغ تر است؛ تا آنجاکه در هر کوچه پس کوچه ای می توان ردپای یک کافه را دید که بنا به سلیقه و درخواست مشتریان، منوهای مختلفی ارائه می دهند. اما خط قرمز تمام کافه ها ورود به حوزه سوداگری مرگ است؛ تا جایی که در روزهای گذشته یک کافه به علت توزیع مواد مخدر در مشهد پلمب شد. در این پرونده پلیس به اطلاعاتی مبنی بر توزیع مواد مخدر در یک واحد صنفی متخلف در قاسم آباد دست پیدا کرد. مأموران دایره تجسس کلانتری قاسم آباد پس از شناسایی محل، این کافه را به صورت نامحسوس زیرنظر گرفتند و پس از جمع آوری ادله کافی و اطمینان از نگهداری مواد مخدر در این مغازه با هماهنگی قضایی، شبانه وارد عمل شدند. تیم رسیدگی کننده پرونده در این اقدام ضربتی و غافل گیرانه ضمن دستگیری متصدی محل در بازرسی از کافه ۱۰۷ بسته مواد مخدر آماده فروش از نوع حشیش به وزن ۲۵۴ گرم کشف کرد. با هماهنگی قضایی، مغازه مدنظر پلمب و متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.
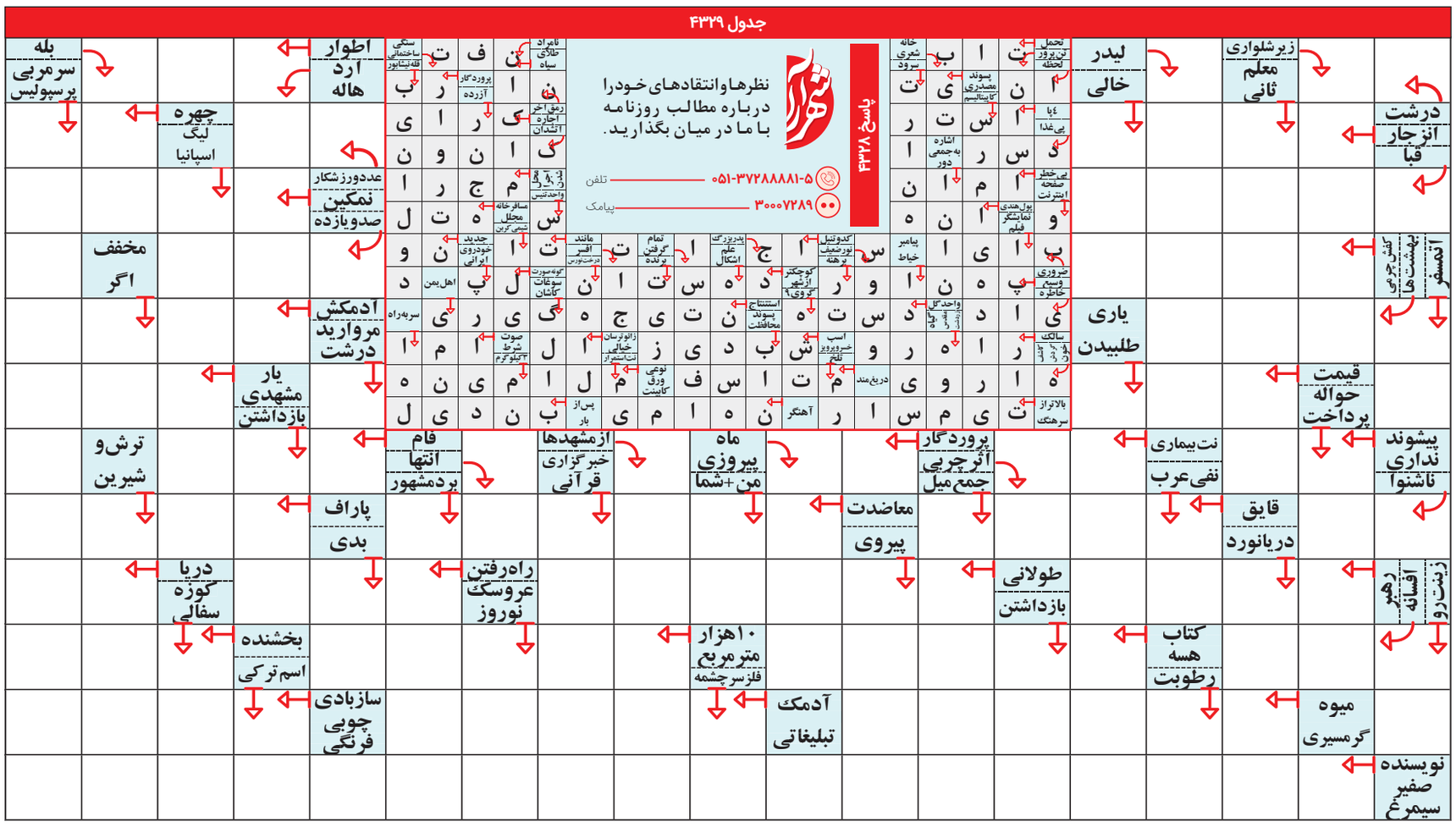
جدول ۴۳۲۹